

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

press.um.ac.ir

در این چمن که گلی بوده است یا سمنی
عجب که بوی گلی هست و رنگ نسترنی
کجاست فکر حکیمی و رای برهمنی

ز تندباد حوادث نمی توان دیدن
از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت
مزاج دهر تبه شد در این بلا حافظ

(دیوان حافظ)

تقدیم به نظام ساز ایران
به مناسبت هزاره نظام الملک طوسی

press.um.ac.ir

شکوه و زوال سیاست در اندیشهٔ ایرانشهری

دکتر روح اله اسلامی شعبجره
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

press.um.ac.ir

سرشناسه: اسلامی، روح‌الله، ۱۳۶۴ - Eslami, Rohollah
 عنوان و نام پدیدآور: شکوه و زوال سیاست در اندیشهٔ ایران‌شهری / روح‌اله اسلامی شعبجره.
 مشخصات نشر: مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص. مصور، جدول، نمودار.
 فروست: دانشگاه فردوسی مشهد؛ انتشارات؛ ۷۳۶.
 شابک: ISBN: 978-964-386-426-2
 وضعیت فهرست‌نویسی: فایا.
 یادداشت: کتابنامه ص. ۱۵۷-۱۶۲. نمایه.
 موضوع: کشورداری -- ایران -- تاریخ
 موضوع: علوم سیاسی -- ایران -- تاریخ
 موضوع: کشورداری -- ایران -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
 *State administration -- Iran -- Early works to 20th century
 *State administration in literature
 موضوع: کشورداری در ادبیات
 موضوع: ایران -- سیاست و حکومت -- تاریخ
 شناسه افزوده: دانشگاه فردوسی مشهد. انتشارات
 رده‌بندی کنگره: DSR ۶۵
 رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۴۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۰۲۶۱۱

شکوه و زوال سیاست در اندیشهٔ ایران‌شهری

پدیدآورنده: دکتر روح‌اله اسلامی شعبجره
 ویراستار علمی: دکتر مرتضی منشادی
 ویراستار ادبی: هانیه اسدیپور فعال مشهد
 مشخصات: وزیری، ۱۵۰ نسخه، چاپ دوم، بهار ۱۴۰۳ (اول، ۱۳۹۸)
 چاپ و صحافی: چاپخانه دقت
 بها: ۱۶۰۰/۰۰۰ ریال
 حق چاپ برای انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.



مراکز پخش:

فروشگاه و نمایشگاه کتاب پردیس: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد، جنب سلف یاس
 تلفن: ۳۸۸۰۲۶۶۶ - ۳۸۸۳۳۷۲۷ (۰۵۱)
 مؤسسه کتابیران: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، بین روانمهر و وحید نظری، بن‌بست
 گشتاسب، پلاک ۸ تلفن: ۶۶۴۸۴۷۱۵ (۰۲۱)
 مؤسسه دانشیران: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) نبش خیابان نظری، شماره ۱۴۲
 تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴ (۰۲۱)

<http://press.um.ac.ir>

Email: press@um.ac.ir

فهرست

مقدمه.....	۱۱
مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایرانی شهری.....	۱۱
۱- آرمان‌گرایی.....	۱۱
۲- تاریخ و جغرافیای قدسی.....	۱۲
۳- تداوم ایرانی شهری.....	۱۲
۴- فرهنگی.....	۱۲
۵- چرخه عدالت.....	۱۳
۶- نظام خویشکاری.....	۱۳
۷- تکنیک‌های عقل معاش.....	۱۳
۸- همراهی دین و دولت.....	۱۳
۹- اشته و سلسله‌مراتب.....	۱۴
اهمیت اندیشه سیاسی ایران.....	۱۴
فصل ۱: شکوه سیاست ایرانی شهری.....	۲۱
۱- دولت ایران.....	۲۲
۲- مبنای دولت ایران.....	۲۳
۳- فرهنگ سیاسی ایران.....	۲۵
۴- قواعد و فواید شکوه دولت ایران.....	۲۶
فصل ۲: زوال سیاست ایرانی شهری در اندیشه ارداویراف.....	۲۹
۱- روش نقد اندیشه‌های کلاسیک.....	۳۰
۲- رویکرد نوشتار (تکنولوژی‌های قدرت).....	۳۲
۳- جامعه اشته‌مند در ارداویراف‌نامه.....	۳۳
۴- فنون (تکنولوژی) تشویق برای نظام خویشکاری.....	۳۴
۵- فنون (تکنولوژی) شکنجه و تعذیب جهت حفظ خویشکاری.....	۳۵

- ۳۶- فنون (تکنولوژی) نظارت سراسرین مزدایی.....
- ۳۷- فنون (تکنولوژی) جامعهٔ انضباطی.....
- ۳۸- تصلب ساختاری و تعصب سازه‌ای.....
- ۴۰- حذف نیمی از جمعیت با روایتی تمامیت‌خواه (توتالیتار) از خرد مزدایی.....
- ۴۲- بن‌بست روایت‌ها در اندیشهٔ سیاسی مزدایی.....
- ۴۴- قانون فروپاشی و زوال اندیشهٔ سیاسی ایرانی شهری.....

فصل ۳: تحول پدیدار سیاست از عهد اردشیر تا شاهنامهٔ فردوسی..... ۴۷

- ۴۸- عهد اردشیر.....
- ۴۹- ۱- اندرزهای کیفی و آداب حکمرانی.....
- ۵۲- ۲- مناسبات پیچیدهٔ دین و دولت.....
- ۵۴- ۳- تحول تکنیک‌های سیاسی عملگرا.....
- ۵۷- ۴- خرد در دامگه تقدیر.....
- ۵۹- مقایسهٔ عهد اردشیر و شاهنامه.....

فصل ۴: نقش مردم در اندیشهٔ سیاسی ایرانی شهری (شورش مزدک در سیرالملوک

- خواجه نظام الملک)..... ۶۱**
- ۶۱- ۱- شاخص‌های اندیشهٔ سیاسی ایران.....
- ۶۴- ۲- خواجه نظام الملک، معمار سیاست ایرانی شهری در دورهٔ میانه.....
- ۶۵- ۳- قیام مزدک علیه ساخت دولت ایرانشهر.....
- ۶۸- ۴- خویشکاری و نخبه‌گرایی اندیشهٔ ایران.....

فصل ۵: مبانی و تکنیک‌های مملکت‌داری در رسالهٔ الصحابه ابن مقفع..... ۷۱

- ۷۱- روزبه ابن مقفع فرزند ایران.....
- ۷۲- رسالهٔ الصحابه.....
- ۷۳- ۱- اطاعت مطلق و مشروعیت حاکمیت.....
- ۷۴- ۲- دولت متمرکز و حاکمیت مطلق.....
- ۷۴- ۳- تفکیک دین و دولت با برتری سیاست.....
- ۷۵- ۴- جدایی و تفکیک ساختاری امور لشکری و کشوری.....
- ۷۶- ۵- امور خزانه و تثبیت قیمت‌ها.....

۶- دیوان سالاری و کارگزاران متخصص.....	۷۷
۷- خویشکاری و اولویت اشرف.....	۷۸
فصل ۶: اندیشه سیاسی ایران باستان در آئینه شاهی مسکویه رازی.....	
۱- آداب و اخلاق حکمرانی.....	۸۱
۲- همزادی دین و دولت با برتری ذات سیاست.....	۸۲
۳- نخبه‌گرایی در اندیشه مسکویه.....	۸۳
۴- عدالت و داد در اندیشه مسکویه.....	۸۴
۵- چگونگی حکومت و اجرائیات کاربردی.....	۸۴
۶- نظام خویشکاری و سیاست محافظه کارانه.....	۸۵
فصل ۷: حکومت‌مندی ایرانشهری در سیرالملوک خواجه نظام‌الملک طوسی.....	
۱- نخبه‌گرایی در حکومت‌مندی و شاهنشاهی.....	۸۶
۲- سفارت، وزارت و تشریفات دیوانی و لشکری.....	۸۷
۳- اعصاب حکومت و دانستن حال کارگزاران.....	۸۸
۴- چرخه عدالت و نظام تظلم خواهی.....	۸۹
۵- تکنیک‌های اداری مملکت‌داری.....	۹۰
کاربردهای اندیشه نظام‌الملک.....	۹۱
سبک اندیشه ایرانشهری.....	۹۲
فصل ۸: تکنیک‌های کنستیتوشن در سیستم ممالک محروسه.....	
۱- رساله‌ای برای اصلاح مملکت‌داری.....	۱۰۱
۲- فنون (تکنولوژی‌های) نوین قدرت در علم سیاست.....	۱۰۱
۳- تکنیک کنستیتوشن براساس نظریه منتسکیو.....	۱۰۲
۴- شناخت بحران‌ها و مسائل قاجاریه و تحول در نظریه چرخه عدالت.....	۱۰۴
۵- تکنیک‌های کنستیتوشن در کتابچه قانون.....	۱۰۵
۶- تکنیک‌های تمرکزگرایی.....	۱۰۷
۷- تکنیک‌های حکمرانی محلی در ممالک محروسه.....	۱۰۸
۸- تکنیک‌های اقتصادی در سیستم ممالک محروسه.....	۱۱۳
۹- تکنیک روال‌مندسازی شریعت.....	۱۱۴

- ۱۱۷.....۱۰- ضعف تکنیک‌های دموکراتیک.....
- ۱۱۸.....۱۱- ارزیابی تکنیک‌های کتابچه قانون.....
- ۱۱۹..... ورود عقلانیت معاش به اندیشه سیاسی ایران.....
- ۱۲۰..... نفی بدیهی‌ترین تکنیک سیاست.....
- فصل ۹: مبانی، استراتژی و تکنیک‌های سیاست خارجی ایران شهری..... ۱۲۳**
- ۱۲۴..... مکاتب و اندیشه‌های سیاست خارجی.....
- ۱۲۵..... پژوهشگران اندیشه ایرانی شهری.....
- ۱۲۷..... ۱- مبانی سیاست خارجی ایران شهری.....
- ۱۳۰..... ۲- استراتژی سیاست خارجی ایران شهری.....
- ۱۳۴..... ۳- تکنیک‌های سیاست خارجی ایران شهری.....
- نتیجه‌گیری: اندیشه ایرانی شهری و غوغای سیاست بی‌صاحب..... ۱۳۹**
- ۱۳۹..... ۱- قدرت شبانی.....
- ۱۴۱..... ۲- تحول ناقص قدرت شبانی به دولت مشروطه.....
- ۱۴۲..... ۳- مبانی دولت مشروطه.....
- ۱۴۴..... ۴- مجلس اول، تأسیس و تداوم مشروطیت ناقص.....
- ۱۴۵..... ۵- تکنیک‌های ملی حکومت‌مندی.....
- ۱۴۹..... ۶- سیاست خارجی در حکومت‌مندی ملی.....
- ۱۵۰..... ۷- پایان بازی روشن‌فکران.....
- ۱۵۷..... کتابنامه.....
- ۱۶۳..... نمایه.....

پیشگفتار

اگر می‌توانستیم، نام تمام شهروندان، مکان‌ها، استان‌ها، میدان‌ها و همه‌جا را ایران قرار می‌دادیم. به ایران ماندگاریم و جاودان و جز ایران سرمایه، کاشانه و هویتی نداریم. آن‌که کشور ندارد، بی‌خانمان است و آن‌که نداند سنت، فلسفه و مملکت‌داری ایران چیست، به پناه ناکجاآبادهایی خواهد رفت که باعث آشوب و هرج‌ومرج خواهد شد. ابتدا باید ایران را به‌لحاظ موضوعی و مفهومی مورد مطالعه و پژوهش قرار داد و سپس ابعاد گوناگون حکومت‌داری ایرانیان را به‌لحاظ خرد سیاسی تحلیل کرد. ایران فعلی در وضعیت مساعدی نیست؛ چراکه نیروهای فکری و سیاسی رقیب احساس کرده‌اند منع قدرتمند فرهنگی‌ای وجود دارد که در صورت داشتن سازو برگ سیاست‌گذارانه می‌تواند از سطح پیرامون به مرکز بازی‌های منطقه و بین‌الملل وارد شود. این چنین نگاهی مخالفان چپ، راست، رادیکال و پست‌مدرنی در شکل‌های فرهنگی تا نظامی برای ایران خلق کرده است. این کتاب با رویکرد تفسیری و تفهیمی سعی می‌کند ارزش ایران را در شکل عقلانیت سیاسی واکاوی کند. پس از شرح اصطلاحات و تفسیر اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری، تداوم آن از عهد باستان تا دوره انتقالی میانی بررسی می‌شود و ایران باستان و فراز و فرود مبانی و تکنیک‌های حکومت‌داری از زاویه شکوه و زوال تحلیل می‌گردد. به یک معنا تفسیر می‌شود که حکومت‌داری با اندیشه ایرانی اگر سازوکار و فنون مناسب را در شبکه‌های قدرت وارد سازد، اوج هخامنشیان و ساسانیان را خلق می‌کند و اگر خرد سیاسی از تجربیات مملکت‌داری استفاده نکند، به سمت زوال خواهد رفت. بنابراین این کتاب، تحلیل‌کننده تکنولوژی‌های قدرت و فنون حکومت‌داری در ایران است.

عهد باستان گرانگه و مبنای خرد سیاسی ایران است که هزار سال قوام دولت کشور را شکل داده است و آن چنان استحکام دارد که در سده میانه، هم به‌لحاظ شکلی در دیوان‌سالاری و تشریفات اداری و هم به‌لحاظ محتوایی در صورت‌های معرفتی اندرزنامه، حکمت، عرفان و فقه بازتولید شده است. امر ایرانی حکومت‌داری چنان احیا شد که شکوه تمدن اسلامی همان بازگشت ایرانیان به قدرت تفسیر شد. در کتاب، رساله‌های ابن مقفع، نظام‌الملک، فردوسی و مسکویه تحلیل شده است تا تداوم شاخص‌های ایرانی‌شهری نمایان شود. هر زمان احیا و تداوم بر نخبگانی محول می‌شد تا در پرتوی دیوان‌سالاری، وزارت، زبان

فارسی، عرفان و تصوف، شعر و حکمت خسروانی بتوانند در تندباد حوادث ایران را حفظ کنند. در نهایت نیز کتاب به دورهٔ معاصر قدم می‌نهد و با مشروطه و کاربردهای نظری و عملی و قواعد حکومت‌داری ایرانی در سیاست داخله و خارجه چیده می‌گردد؛ اینکه ایران در چه وضعیتی است و اگر در سیاست داخله و خارجه بخواهیم امر ایرانی حکومت‌داری را مبنا قرار دهیم، چه الگوهایی قابل استخراج است. فصل‌های آخر به پرسش‌های معاصر و دغدغه‌های کاربردی اشاره دارد که اغلب از اندیشهٔ سیاسی ایرانشهری سؤال می‌شود. به یک معنا در کتاب، قواعد شکوه و زوال حکومت‌داری ایرانشهری تحلیل شده است تا بتوانیم در همان رسالت حافظ و فردوسی، هریک به اندازهٔ خویشکاری خود به ایران خدمتی کرده باشیم.

press.um.ac.ir

مقدمه

میان اندیشه و عمل فاصله اندکی وجود دارد و اینکه اندیشه وقت هدر دادن و مهم اقدام عملی است، گزاره‌هایی کلیشه‌ای هستند. هر کشوری به توسعه دست یافته و توانسته است سیاست داخلی و خارجی مناسبی اتخاذ کند، نخبگانی دارد که در مورد منافع و مصلحت ملی به توافق رسیده‌اند. مشکل جامعه ایران در اندیشه سیاسی است و بدون واکاوی آن، امکان پیشرفت وجود ندارد. علوم مختلف هرچه بهداشتی و بی طرف بخواهند فارغ از اندیشه سیاسی طراحی راه کنند و مانیفست ارائه دهند، سر از ایدئولوژی‌های ناکارآمد در می‌آورند. اندیشه‌ها تعیین کننده توسعه هستند. فکر نخبگان سیاسی یک کشور جهت را مشخص و آینده را رقم خواهد زد. توسعه ایران بدون فکر کردن در باب اندیشه سیاسی ایران امکان‌پذیر نیست. به خصوص در مورد سیاست که بدون داشتن پایه و مبنا، هرگونه سیاست‌گذاری به اهداف خود دست پیدا نمی‌کند. در این کتاب، قصد نگارنده تحلیل جریان حکومت‌اندیشی متبلور در سیاست‌نامه‌ها است که یکی از ستون‌های آبادانی ایران به‌شمار می‌رود. اندرزنامه‌هایی سیاسی که دغدغه کشورداری براساس تکنیک‌های خردمندانه داشته‌اند و میراث فکر سیاسی ایران هستند. امروز برای تفسیر و تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی می‌توان به آن‌ها رجوع کرد و در موضوعاتی چون حاکمیت، تشریفات، آداب سفارت و قضاوت، تکنیک‌های جنگ و نظام‌سازی از آن‌ها کمک گرفت. توسعه بدون شناخت میراث و معین کردن نسبت آن با گذشته امکان‌پذیر نیست.

مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایران شهری

در این کتاب، منظور از شاخص‌های ایران شهری همان مؤلفه‌هایی است که از منابع اصلی اندیشه ایرانی از خرد مزدایی تا شیعی تداوم داشته است و عناصر اصلی اندیشه ایران به حساب می‌آیند که در زیر به صورت مختصر تحلیل می‌شود.

۱- آرمان‌گرایی

ایرانیان دارای نظام فلسفه معناگرای آرمانی هستند. در این نظام که تجمیع امشاسپندان است، جهان آن گونه

که در روایت پوزیتیویستی تفسیر می‌شود، موردنقد قرار می‌گیرد. عالم خلق شده توسط وجودی مقدس است که به هستی غایت بخشیده است. به یک معنا جهان پدیداری آرمانی از نوع خرد مزدایی دارد و ماهیت و محتوای مادی توسط اهورامزدا برتر جهت‌دهی می‌گردد. راستی، وفای به عهد، آبادانی و مهر از آرمان‌های غیرقابل نقض ایرانیان هستند که در *اوستا* بر آن‌ها تأکید شده است.

۲- تاریخ و جغرافیای قدسی

آرمان‌گرایی روایتی شکل می‌دهد که در آن خدایان نیک به رهبری اهورامزدا و خدایان شر به رهبری اهریمن رودرویی یکدیگر قرار می‌گیرند. با خلق کیومرث و شروع شدن تاریخ اسطوره‌ای، انسان اختیار محض دارد که جهت خیر یا شر را انتخاب کند و هرگونه پیروزی خشکسالی، دشمن یا دروغ نشان‌دهندهٔ ضعف تلاش انسان‌ها به حساب می‌آید. ایران مرکز عالم است و ایران‌ویچ، دارای فلسفه و تاریخی است که برآمده از اساطیر و روایت‌های قدسی است. بار متافیزیکی، زمان تاریخی و مکان جغرافیایی ایران را خاص ساخته است تا از ابتدای آفرینش تا ظهور سوشیانس را در تاریخ و جغرافیای قدسی ترسیم کند.

۳- تداوم ایرانشهری

ایران به معنای سرزمین نیکی‌ها، نجیب‌زادگان و پاک‌نهادها، تداومی به‌اندازهٔ تاریخ تمدن بشر دارد. همهٔ عناصر اندیشهٔ ایرانشهری از واژهٔ ایران تا شاخص‌های ماهوی و ظاهری آن در تاریخ تداوم داشته است. انسان آرمانی، ارض ملکوت، انتظار، هستی‌شناسی اندوه‌بار و متافیزیک اشراقی در تاریخ ایران همیشه وجود داشته است. این شاخص‌ها در خرد مزدایی سامان‌دهی می‌شوند و با آنکه چندین حملهٔ ویرانگر در تاریخ به‌لحاظ نظامی و سیاسی ایران را از شکل می‌اندازد، اما فرهنگ و اندیشهٔ ایرانی در خرد شیعی، اشراقی، باطنی و... تداوم پیدا می‌کند.

۴- فرهمندی

کاملاً طبیعی است که از تاریخ، فلسفه، جغرافیا و روایت قدسی متافیزیکی ایران، آنچه برای رأس هرم حاکمیت تجویز می‌شود، انسانی کامل و آرمانی است که به نیروی خرد و توانمندی و بر اثر کارآمدی و تأیید الهی، سرنوشت جامعه را به‌دست می‌گیرد. در اندیشهٔ ایرانی به چنین کارگزار حکومتی، انسان فرهنمند می‌گویند؛ فردی که نژاد، تبار، تربیت و تأیید الهی و مردمی را دارد و سعادت کشور به او گره خورده است. اندیشهٔ ایرانی همیشه در تمام طول تاریخ خردی کیهانی داشته است که در آن ولی، امام، شاهنشاه، سلطان یا پادشاه بر مسند سیاست گذاری کلان جای داشته است.

۵- چرخه عدالت

اساس حکمرانی ایرانی بر عدالت است. عدالت به معنای کنار هم قرار گرفتن شاخص‌هایی است که رابطه علت و معلولی با یکدیگر دارند. در نگاه محافظه کار و واقع‌گرای ایرانی، هدف حکومت ایجاد امنیت و شکل‌دهی به دولتی قدرتمند است. این دولت تنها با داشتن ارتش نیرومند و منظم می‌تواند جان رعیت را حفظ کند. سپاه و ارتش سامان‌مند به خزانه سرشاری برمی‌گردد که از مالیات‌های مردم گرد آمده است. مالیات‌ها از زمین‌های آباد، به رونق تجارت و شکوفایی اقتصادی ربط دارد و همه به عدل سیستم قضایی و دادستانی رعیت بازخواهد گشت. این چرخه دارای تکنیک‌های جزئی در امر سیاسی و اجرایی است که در رساله‌های اندرزنامه‌نویسی تحلیل شده است.

۶- نظام خویشکاری

جامعه یکجانشین و تولیدکننده ایرانی، نیازمند رویه و قواعد یکسان بود تا طبقات مختلف با کارویژه‌های خاص خود به نظام اجتماعی و سیاسی سامان بخشند. در این نظام طبقات مختلف دربار، وزیران، سفیران، قضات، خزانه‌داران به‌عنوان کارگزاران حکومتی فعالیت می‌کردند. همین‌طور مغان و دبیران و طبقات صنعت کار، تاجر و دهقان نیز در جای خود کارویژه تخصصی داشتند. امکان تحرک طبقاتی اندک بود و به‌خصوص لایه‌های سیاسی و عادی از یکدیگر جدا بودند. این خویشکاری کارآمدی اجتماعی را شکل می‌داد و نظام تربیت نظری و عملی را به‌صورت خودجوش تداوم می‌بخشید.

۷- تکنیک‌های عقل معاش

در اندیشه ایرانی شهری علاوه بر وجوه متافیزیکی و صورت‌های معرفت‌آرمانی، بر امور معاش و توجه به امر روزمره تأکید شده است. هدف اصلی، آبادانی دنیا و ساختن شرایطی است که قلعه، قنات، نظامیه، مسجد، راه، کاروان‌سرا و... برپا باشند. بر همین اساس، ایرانیان در اندرزنامه‌ها متون کاربردی و اجرایی، فنون و تکنیک‌های واقع‌گرای پیچیده‌ای طراحی کرده‌اند تا ایران کشوری آباد شود. این عقلانیت سر در آسمان‌ها ندارد، بلکه زمین را می‌نگرد و راجع به مالیات ستانی، خزانه‌گردانی، برقراری امنیت، سیستم اطلاعاتی و جاسوسی، نظام جنگ، تشریفات حکومتی و فنون جایگاهی دارد.

۸- همراهی دین و دولت

گزاره مبنایی همزادی دین و دولت، از شاخص‌های اصلی اندیشه سیاسی است که در عین سادگی یا کلیشه‌ای شدن مفهومی، در اجرا سطح پیچیده‌ای دارد. در اندیشه ایرانی دین و دولت یکدیگر را حمایت می‌کنند؛ به گونه‌ای که دینداران بدون حمایت دولت نمی‌توانند شایست و ناشایست را تشخیص دهند و

از سوی دیگر حکمرانی بر مردم بی اعتقاد و بی دین امکان پذیر نیست. علاوه بر این گزاره‌های شرطی همزادی دین و دولت، اصل اندیشه ایرانی چنین است که دولت بر دین برتری دارد و هسته سیاست چنان مغناطیسی دارد که هیچ دستگاه معرفتی نمی تواند بر آن غلبه یابد.

۹- اشته و سلسله مراتب

هدف غایی اندیشه ایرانی شکل دهی به جامعه اشته مند است؛ یعنی جامعه‌ای که در آن فضیلت، سعادت و اخلاق وجود دارد و هر امری در جای خود است. اشون بودن معنایی خیالی و توهمی نیست، بلکه هم‌نوایی با طبیعت یا همان اندیشه اشراقی است که از عهد زرتشت تا سهروردی طراحی شده است. فردوسی به عنوان یکی از حکیمان سیاسی اندیشه ایرانی شهری با تأکید بر شاهنشاه فرهمند، چرخه عدالت و نظام خویشکاری، اشته از دست رفته روزگار باستان را آرزو می کند. اشته با تشریفات، ادب، حفظ جایگاه‌ها و سلسله مراتب ارتباط دارد و هرگونه عوام گرایی و خارج سازی غیر تخصصی امور سیاسی از جریان عادی نوعی بحران محسوب می گردد.

شاخص‌های اندیشه سیاسی ایرانی شهری

مفاهیم ایرانی شهری	تعریف و کاربرد
آرمان گرایی	تفسیر قدسی و آرمانی از هستی و رویکرد متافیزیکی به تاریخ
فلسفه تاریخ و جغرافیای قدسی	دیالکتیک تاریخی خیر و شر و انتظار ظهور منجی در پایان تاریخ
تداوم ایرانی شهری	تداوم فرهنگ ایرانی از خرد مزدایی تا خرد شیعی
فرهمندی	پدیدار سیاسی ایرانیان در مورد مشروعیت حکمران
چرخه عدالت	وابستگی قدرت به سپاه، خزانه، دادگری و مؤلفه‌های عینی کارکردی آن‌ها
نظام خویشکاری	تقسیم مشاغل و اصناف و نظام سلسله مراتبی
تکنیک‌های عقل معاش	یکجانشینی و داشتن عقلانیت معاش جهت آبادانی دنیا
همراهی دین و دولت	نزدیکی شاه و مغان به یکدیگر و مشروعیت مذهبی حکومت با اولویت سیاست
اشته و سلسله مراتب	پادشاه فرهمند و مشروعیت سلسله مراتبی جهت ایجاد نظم اشون

اهمیت اندیشه سیاسی ایران

از منظر اغلب روایت‌ها (جز آنارشویست‌ها و پسامدرن‌ها) توسعه امری است که براساس عقلانیت و تلاش جمعی انسان‌ها روی می دهد. حرکت از خرافات، جهل، استبداد، مرض، دروغ، بی اخلاقی، بی نظمی، ریاکاری، زن ستیزی، به سمت عمران، آبادانی، حقوق شهروندی، سلامت و بهداشت، راستی، خویشنداری را توسعه گویند. کشوری آباد و پیشرفته است که در جنبه‌های مختلف زندگی، به خصوص عرصه‌های سیاسی و اجتماعی موفق به ایجاد حاکمیت قانون شده است و شهروندان در آن کشور از لحاظ

زندگی مادی و فکری، امنیت و رضایت دارند. توسعه دارای مؤلفه‌های کمی و قابل اندازه‌گیری است و شاخص‌های برابری فرصت‌ها، رفاه شهروندان، دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزشی و رعایت حقوق بشر قابل سنجش است. برای توسعه تنها ابزارهای تکنولوژیکی و ساختار اقتصادی پویا جواب‌گو نیست. به‌عنوان مثال، در ذهن خود موارد زیادی از کشورهای رانتی را می‌توانید به یاد آورید که با فروش مواد خام و یا نابودی استقلال کشور، جدیدترین ابزارهای نظامی، پیمان‌های استراتژیک، برندهای معروف اقتصادی و برج و باروهای پسامدرن ساخته‌اند، اما از داخل به‌لحاظ ریشه‌های توسعه و آینده تحولات سیاسی و اجتماعی دارای ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و رهایی از دولت‌های درهم‌شکننده نیستند. ایران مبانی فکری و زیرساخت‌های نخبگانی لازم برای تداوم را دارد که در صورت فعال شدن در زندگی سیاسی امکان توسعه را فراهم می‌سازد.

اندرزنامه‌ها تکنیکی‌ترین متون ایرانی برای توسعه هستند. ایران سه بار در زمان باستان به‌لحاظ فنون مملکت‌داری و حکومت‌مندی، شاهنشاهی‌های ملی شکل داده که در کتاب‌های تاریخ موردستایش خردمندانی چون طبری، ثعالبی، ابن‌خلدون، ماکیاول و هگل قرار گرفته است. تبلور این میراث در اندرزنامه‌ها وجود دارد؛ یعنی متونی که توسط شاهان، وزراء، دبیران، موبدان و سایر کارگزاران حکومتی نوشته شده است: از عهد اردشیر و نامه تنسر تا آثار ابن‌مقفع، مسکویه، خواجه‌نظام‌الملک، غزالی، سعدی و... که فنون حکمرانی را شرح داده‌اند. ایجاد حاکمیت مطلقه، سلطه مشروع نخبگان، چرخه عدالت و ارتباط دین و دولت مؤلفه‌هایی هستند که در متن‌های اندیشمندان مورد اشاره و تأکید قرار گرفته‌اند و در کشورهای توسعه‌یافته اجرایی شده‌اند. اندیشه‌های آنارشستی، پسامدرنیستی، مارکسیستی و سوسیالیستی و اغلب فراورویت‌های آرمان‌گرای ایرانی منطق اندرزنامه‌ها را درک نمی‌کنند و اگر در کشوری این افکار رواج یابد، آبادانی از میان خواهد رفت. به‌خصوص گاهی آرمان‌گرایی آنارشستی با ایدئولوژی‌های فرقه‌ای و قومیتی گره می‌خورند و کشور را در آستانه نابودی قرار می‌دهند.

ایران دوستی یکی از محورهای توسعه است. هیچ کشوری با افکار ضد دولت و ضد کشور توسعه پیدا نکرده است. منطق توسعه، اجماع نخبگان ملی است که کشور را دوست دارند و برای توسعه یا آبادانی آن از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کنند. ملاحظات اخلاقی و فردی که ریشه در ترس‌ها و ساده‌اندیشی‌های قبیله‌ای دارند، نمی‌تواند کشوری را تغییر دهد. برای ازجا‌کننده شدن و حصول رضایت شهروندان در کنار آبادانی کشور باید ایران در محوریت قرار گیرد. در اندیشه‌های ایرانی از یشت‌ها تا شاهنامه فردوسی از کارنامه اردشیر بابکان تا جاویدان خرد مسکویه، ایران در محوریت قرار دارد. این اندیشه‌ها وطن‌دوستی و علقه پایدار مردم برای کشور را یادآوری می‌کنند. بدون وطن انسان‌ها بی‌ریشه هستند و اغلب اندیشه‌های ضدملی توهمات بی‌خانمانی هستند که نسبتی با توسعه ندارند.

فرهنگ ملی ایران بستر ساز توسعه است. فرهنگ ایرانی دارای ویژگی‌هایی است که به لحاظ قدرت نرم، شاخص‌های توسعه را پذیرا است. در اندیشه ایرانی، احترام و ادب شرط اساسی زندگی اجتماعی است. بی ادب همیشه محروم است و حتی مجموعه ذخیره واژگانی و متون نثر و نظم ایرانیان به عنوان ادبیات فارسی نام نهاده شده است. ادب، تشریفات، احترام به جایگاه‌ها و قانون‌مداری در سنت اندیشه ایرانی نهادینه شده است. پهلوان، شاه، وزیر، موبد و همه طبقات خویشکاری دارند. از سوی دیگر راستی، رواداری و به خصوص مردم‌آزاری نکردن در اندیشه ایرانی به صورت تداومی جریان داشته است که نمونه کامل آن در دیوان حافظ تبلور یافته است. توسعه به خردمندان جهانی نیاز دارد که مجموعه ادب و فرهنگ آن‌ها مغایرتی با فرهنگ توسعه نداشته باشد. مثلاً منتسکیو برای فرانسه، ماکیاول برای ایتالیا، کانت برای آلمان، کنفوسیوس برای چین جایگاه اندیشه‌ای توسعه را فراهم ساخته‌اند. در ایران نیز هنجارهای برآمده از بی‌شمار خردمندانی چون خواجه نظام‌الملک، فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی شاخص‌های فرهنگی به لحاظ توسعه دارند. اما این اندیشه‌ها به صورت روشمند نقد و بررسی نشده‌اند و از سطوح نخبگانی به سطوح مردم‌عادی به لحاظ خودآگاه عملیاتی شده، رواج پیدا نکرده‌اند.

برخی از کشورها توانسته‌اند در شاخص‌های توسعه به آمارهای بالایی دست یابند و اکنون جزء کشورهای پیشرفته محسوب می‌شوند و برخی نیز با عنوان در حال توسعه، جهان سوم و کشورهای شکننده‌ای هستند که از سیاه‌چاله فقر، جهل، استبداد و خشونت رها نشده‌اند. در میان اغلب اندیشه‌هایی که وجود دارد، ایرانیان دارای ذخایر تمدنی و سنت قدمایی هستند که می‌توانند با بازخوانی انتقادی آن‌ها به کشور خویش افتخار و با نام و ننگ از آن دفاع کنند. ذهنیت‌های تک‌بعدی و تک‌خطی و ساده گمان می‌کنند تنها با سر در لاک خویش فروبردن، انزوای کشور و استراتژی‌های هجومی می‌توانند کشور را توسعه دهند؛ فارغ از آنکه گاهی برای توسعه باید ننگ را خرید، هر چند نزد عوام بدنام شد اما برای مصلحت کشور باید اقدامات مصلحت‌اندیشانه انجام داد. تلاش، فداکاری، از جان گذشتن و دست به هر کاری جهت توسعه کشور زدن در اندیشه ایرانی وجود دارد. کشوری به توسعه دست نیافته است، مگر آنکه نخبگانی وطن خواه فکر، جان، مال و همه هستی خویش را در راه آبادانی سرزمین خویش به کار گرفته‌اند. برای توسعه به مبنا و جایگاه نیاز است و بر اساس تفنن و ایستادن بر ایدئولوژی نمی‌توان به شاخص‌های توسعه دست یافت. آمریکا، ژاپن، آلمان، انگلستان و حتی چین و هندوستان نخبگانی ملی و وطن‌دوست دارند و هرگاه افکار ضدوطن رواج یابند که آشوب، خشونت، جنگ و بی‌ثباتی نتیجه آن‌ها است، نخبگان ملی پاسخ‌های مناسب می‌دهند. در نهایت گفته ریچارد فرای یادآوری می‌شود که اعتقاد داشت آمریکا را سیاست‌مدارانی که اندیشه و کنش ملی داشتند، به دنیای جدید وارد ساختند. جفرسون به عنوان یکی از مؤسسان آمریکای نوین علاقه زیادی به کورش داشت و نسخه‌های کورش‌نامه گزنفون با تفسیرهای

جفرسون را تحلیل کرد. بنیان‌گذاران آمریکا سیستم احترام به تکثرها، رواداری، تفکیک قوا و تمرکززدایی را از ایرانیان آموخته‌اند. با چنین ذخیره‌ ملی، سنت قدمایی در اندیشه ایرانی می‌تواند به سمت توسعه حرکت کند.

ایرانیان دارای سبک خاص حکمرانی و شیوه‌های کاربردی مملکت‌داری هستند که مجموع سنت حکومت‌مندی آن‌ها در اندرزنامه‌ها جمع شده است. اندرزنامه‌ها شیوه‌های تجربی کشورداری را از عهد باستان تا دوره میانه انتقال داده‌اند و در این انتقال برخی از اندیشمندان همچون ابن‌مقفع، مسکویه، خواجه نظام‌الملک و سعدی نقش مهمی دارند. طبقات خردمند جامعه یکجانشین ایران برای مقابله با تهاجم‌های فکری و قبیله‌ای که با عصبیت، دستاوردهای ایران را نابود می‌ساخت، ناچار به ایجاد تکنیک‌هایی بودند که بتوانند ایرانشهر را از گزند بلایای مختلف برهانند؛ بلایایی که از موقعیت جغرافیایی ایران، یعنی در چهارراه بودن کشور ناشی می‌شد و هرلحظه احتمال حمله، تجاوز، ورود بیگانگان و نابودی دستاوردهای مردم ایرانشهر را امکان‌پذیر می‌ساخت. قلعه، قنات، معماری و موسیقی، سبک کشورداری، اندرزنامه‌نویسی، سیستم‌های شاهنشاهی، همزادی دین و سیاست، نظام اشته و داد، رواداری و مردم‌آزایی نکردن، فنون خزانه‌داری و جمع‌آوری مالیات، شیوه‌های جنگیدن و سفارت و قضاوت همه دستاوردهای پیچیده ایرانیان در مواجهه با محیط نابسامان سیاسی روزگار گذشته بوده است. مجموع این تکنیک‌ها از عهد اردشیر و نامه‌تنسر تا کلیله‌و‌دمنه و مجموعه دینکردها در دوره باستان به شیوه‌ای استراتژیک به عهد میانه وارد شده است. به‌عنوان مثال، حکومت‌مندی ایرانشهری توسط ابن‌مقفع به لحاظ اندیشه‌ای به دوره عباسی منتقل شد و فنون خزانه‌داری، تشریفات، جنگیدن، وزارت و نهادهای اداری آن‌ها را سامان داد. همچنین فارابی و ابن‌سینا و مسکویه محتوای اندیشه سیاسی ایرانشهری را با تبدیل شاهنشاه به انسان آرمانی جامعه خویش وارد ساختند؛ اقدامی که بعدها توسط سهرودی به تکامل رسید. فردوسی نیز همچون گرانیگاهی محکم و مرکز ثقل اندیشه ایرانشهری تداوم اساطیر، حماسه و تاریخ ایران باستان را با پاسداشت زبان فارسی به نیکی انجام داد.

ابن‌مقفع مرکز ثقل انتقال میراث سیاسی ایران به دوره میانه و نظام‌الملک دوره تحکیم و بلوغ رساله‌های هنر حکومت است. نظام‌الملک همچون ابوعلی‌سینا و خواجه‌نصیرالدین طوسی با ورود به عرصه سیاست‌گذاری توانست ایران را در ابعاد هویت مستقل ملی کمک رساند. خواجه‌نظام‌الملک طوسی اهل خراسان با درایت وارد دستگاه قبیله‌ای سلجوقیان شد و به مدت سی سال به عمران ایران همت گمارد. درحالی‌که ایران زیر نظر خلیفه بود، او در حال ایجاد تعادل میان نیروهای سیستم خلافت بود تا بتواند شاخص‌های اندیشه ایرانشهری را مورد به مورد عملیاتی سازد. نظام‌الملک رؤسای ایل سلجوقی را تربیت کرد و آداب مملکت‌داری ایرانی را به ملکشاه آموخت؛ به گونه‌ای که شاه زیر دستش بود و بدون اجازه

نظام‌الملک هیچ تصمیمی نمی‌گرفت. نظام‌الملک جایگاه نهاد وزارت را ارتقا بخشید و سنت ایرانی حکومت‌داری در شکل‌دهی به رویه‌های اداری را مستحکم کرد. او آزمون‌های تخصصی گرفت و کارآمدترین انسان‌ها را جهت کارگزاری انتخاب کرد. از هر قبیله‌ای به‌سان خودشان مأمور قرار نمی‌داد، بلکه هر فرد را یک شغل می‌بخشید و بر هر کارگزار حکومتی، ناظرانی همچون چشم و گوشان داریوش می‌نهاد. سیستم دیوان سالاری ایران باستان در عهد خواجه‌نظام شبیه‌سازی شد و بر اثر آن راه‌ها امن، خزانه‌آباد، کاروانسراها سرشار از تاجر و مسافر، قنات‌ها روان و مملکت به‌سامان بود. همهٔ این موارد به‌این علت بود که خواجه‌نظام‌الملک فهم درستی از تکنیک‌های حکومت‌مندی ایرانی شهری داشت و توانست با وحدت‌بخشیدن به دستگاه سیاست‌گذاری، بدون توجه به اجرائیات برآمده از نظام خلیفگان متعصب و قبایل بی‌نظم، امور ایران را سامان بخشد. نظام‌الملک برای انتقال میراث خود مدارس نظامیه را به‌مثابه سازویرگ ایدئولوژیک قدرت، طراحی و راه‌اندازی کرد. او می‌دانست که کشور بدون داشتن اندیشه، فرهنگ و اعتقادات درست به هر سمتی کشیده می‌شود و هر موبد و مغ و عالم مذهبی می‌تواند به بهانه‌های توهمی کشور را با ناامنی روبه‌رو سازد و ساختار قدرت را به چالش کشاند. در همین زمان فرقه‌های اسماعیلی خط و مشی مسلحانه و تروریستی پیدا کرده بودند و خلیفه نیز به سلجوقیان و دایرهٔ نفوذ آن‌ها حساس شده بود. با تأسیس نظامیه‌ها هوشمندترین نخبگان کشور همچون غزالی و سعدی پرورش یافتند. نظام یکسان آزاداندیشانه‌ای بر آموزش و تربیت حاکم شد. در مدارس نظامیه همهٔ گرایش‌های فکری فرصت تدریس داشتند و خواجه‌نظام عاشق امام‌رضا (ع) بود؛ به‌نحوی که دستور داد در حرم امام رضا (ع) موقوفه‌ای باشکوه ایجاد کنند. سیاست بر دین برتری یافت و هیچ قرائت وحشت‌آفرین و فتنه‌گری امکان فعالیت در قلمرو ایران را نداشت. خواجه همهٔ شاخص‌های ایرانی شهری را با توجه به مدت بلند سه دهه وزارت و شانس تاریخی که آورده بود، اجرا کرد. البته با بزرگ شدن ملک‌شاه و قدرت‌گیری دشمنان فرقه‌ای، قومیتی و درباری و همچنین سالخورده شدن خواجه‌نظام‌الملک، امور وزارت و درنهایت امور ایران به تاهی رفت.

خواجه‌نظام‌الملک برای آنکه دستاوردها و نیز شیوهٔ سنتی اندرزنامه‌نویسی نابود نشود و همچون آینه‌ای شاهی برای آیندگان باقی بماند، با همهٔ مشغولیات، دست به تدوین رساله‌ای در هنر حکومت با عنوان *سیرالملوک* یا همان *سیاست‌نامه* زد. در *سیرالملوک* اغلب شاخص‌های حکومت‌مندی ایرانی شهری با دقت و وسواس زیاد که همان تداوم خرد مزدایی عهد باستان تا دورهٔ میانی است، به نیکی ترسیم شده است. اگر دانشگاهی بین‌المللی باشد و از هر کشور در این دانشگاه رساله‌ای ارائه شود، بدون‌شک نمایندهٔ ایران *سیرالملوک* است. این کتاب به زبان فارسی است و اندیشه‌های تداومی ایرانیان پیرامون کشورداری را بیان می‌کند. علاوه بر جنبه‌های ادبی و زیباشناسانه، آنچه این اثر را متمایز و قابلیت ارائهٔ جهانی می‌کند، محتوای

اندیشه سیاسی است که براساس اغلب شاخص‌های کارآمدی عقل سیاسی قابل بررسی است. در *سیرالملوک* از نخبه‌گرایی، دادگری، ارتباط دین و سیاست و دیوان‌سالاری و تشریفات سخن به میان آمده است. او هرچه می‌گوید، به لحاظ چهارچوب‌های فکری واقع‌گرایی و محافظه‌کاری قابل تفسیر است. اگر ایتالیا به ماکیاول، فرانسه به مونتسکیو، انگلیس به توماس هابز و آلمان به کانت افتخار می‌کنند، ایرانیان به خواجه‌نظام‌الملک و *سیرالملوک* می‌بالند که امکان ارائه، تدریس و تفسیر در سطح بین‌الملل را دارا است. این نوشتار داستان اندیشه سیاسی ایران از منظر رساله‌هایی است که در مورد حکومت اندیشیده‌اند. متفکران، مکاتب و رساله‌هایی مورد تأکید قرار گرفته‌اند که در مورد تکنیک‌های قدرت نوشته داشته‌اند. سعی شده است علاوه بر وجوه مبنایی و فلسفی، بر کاربردها و شیوه عملیاتی کردن اندیشه ایرانی شهری نیز تمرکز شود. اینکه اندیشه سیاسی ایرانی شهری چیست، مؤلفه‌ها و متفکران و شاخص‌های عملیاتی آن کدام است، در چه زمانی ایران به لحاظ اندیشه سیاسی شکوه و در چه زمانی زوال را سپری کرده است، پرسش‌های مورد بررسی در این کتاب خواهند بود. بنابراین، کتاب در پی کشف قاعده شکوه و زوال سیاست در رساله‌هایی است که هنر حکومت را تبلور بخشی ده‌اند.

این کتاب روایت اندیشه سیاسی تداومی ایران در بستر حکومت‌مندی ایرانی شهری است. مدل‌ها و شاخصهای شکوه و فرود حکومت‌مندی از عهد باستان تا دوره جدید با تأکید بر اندیشمندان، رساله‌های فنی مملکت‌داری و نیز تحلیل و گزاره‌های آن‌ها برای آبادانی کشور بررسی می‌شوند. نوشتار در هزارمین سال تولد خواجه‌نظام‌الملک نوشته شده است و دو فصل کتاب به اندیشه‌های نظام‌ساز و هنر حکومت او اشاره دارد. در این کتاب ابتدا از منظر فیلسوف عقل‌گرای آلمان، یعنی هگل، اندیشه ایران در دوره باستان بررسی می‌شود و سپس از این شکوه به انحطاط پایان عصر ساسانیان، قدم می‌نهیم؛ جایی که ارداویراف‌نامه‌ها مشروعیت نظام سیاسی را نابود کردند. در ادامه به تداوم خرد سیاسی ایران در دوره میانه می‌پردازیم. سعی شده است که زوایای کار نشده اندیشمندان مهمی همچون ابن‌مقفع، فردوسی، مسکویه و خواجه‌نظام‌الملک تحلیل شوند و در پایان نیز ارتباط استراتژیک آن‌ها با زمانه معاصر، به خصوص با محوریت حفظ ایران بررسی می‌شود.

در پایان از دکتر مرتضی منشادی، همکار فرهیخته و ایران‌دوستم که ویرایش علمی کتاب را برعهده گرفت، همین‌طور از سرکار خانم هانیه اسدپور فعال مشهد که ویراستاری ادبی را برعهده گرفتند، سپاسگزارم. همچنین از همکارانم در گروه علوم سیاسی که همیشه محیطی سالم، منتقدانه و حامیانه فراهم کرده‌اند تا از ایران دفاع کنم، سپاس ویژه دارم. از دانشگاه فردوسی مشهد که تداوم بخش خرد خراسانی است و زمین آن حال‌وهوای فردوسی عزیز دارد نیز قدردانی می‌کنم. از دکتر کافی، ریاست دانشگاه و مسئولان پژوهشی به خصوص دکتر صابری، مدیر نشر آثار علمی دانشگاه و آقای قندهاری، کارشناس نشر

دانشگاه، سپاسگزارم. از سه داور محترم ناشناسی که متن را خواندند و ایرادات و پیشنهادهایی اساسی جهت بهبود کتاب ارائه دادند، قدردان هستم. از همسر، خانم فاطمه ذوالفقاریان که اغلب گزاره‌های کتاب در گفت‌وگو با او نقد و بررسی می‌شود و همیشه اولین ناقد، ویراستار و خوانندهٔ مطالب است، سپاسگزارم. بخش‌هایی از این کتاب با زبانی ساده و در قالب واژگان عمومی در مجلهٔ مهرنامه، نشریهٔ سیاست‌نامه، روزنامهٔ سازندگی، نشریهٔ کارخانه‌دار، مجلهٔ ممالک محروسه، پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل، نشریهٔ فرهنگ امروز و روزنامهٔ دنیای اقتصاد و شبکه‌های اجتماعی که در دست دارم، به‌صورت پراکنده چاپ شد و بازخوردهای زیادی از افکار عمومی داشتم که سعی کردم در متن کتاب اصلاح کنم. در پایان از خوانندگان محترم تقاضا دارم که هرگونه نقد و نظر خود را برای نویسنده به ایمیل eslami.r@ferdowsi.um.ac.ir ارسال کنند.

press.um.ac.ir